

## آغاز دور جدید جنگ

مجموعه رویداد های منصفه و تدارکات آغاز و با پرتاب ۶۷ موشک توسط رژیم صدام وسیع و شتابزده رژیمهای جنگ امروز و با برجای گذاردن بیش از هزار کشته و عراق و ایران، خبر از آغاز فاز جدید جنگ هزاران مجروح بیایان رسید.

پر لیب این دو رژیم میداد دیرری دور دوم این جنگ خانمانسوز، که نباید که این فاز نیز با حملات موشکی هنوز هم ادامه دارد، بدنیال برقراری طرفین به نقاط مسکونی دو کشور آغاز ۴۸ ساعت آتش بر با شلیک توپخانه، گردید. دور اول کشتار و ویرانی با پرتاب سنگین جمهوری اسلامی به شهر حلبچه، دو موشک به بغداد بمبیله رژیم خمینی عراق شروع شد. صدام حسین که همواره بقیه در صفحه ۹

## بهاران خجسته باد!

فرا میرسد و گل به شکوفه می نشیند - برگهای خزان زده پیر می شوند، پاس پروانه جان می گیرد از عذر گل، و چبچبه دار سنت دیرینه ات را، گرامی دار می زند در باغ بلبل، و تو ای مردم قهرمان نوروز را و مبارک دار عید بهارانت را، با اینکه سیاه پشت کرده اند، و با اینکه چرا که تو باور داری روز نو را، ده پاسداران سنگفرش کوجه هایت از درد چکه های شب مرگ خود را در شادی ات می بینند، پاسداران شب نالان است، با اینکه که لبخند و نشاطت، زنده دلی و نوعروسانت در بهار زندگی به خسران پایمردی ات تیری است بر قلب تاریک - نشسته اند و فرزند ان قهرمانت بسان اندیشان عزا پرست - بقیه در صفحه ۷

### در این شماره :

برگزاری ۸- مین سالگرد بنیانگذاری کانون در سوئد در صفحه ۱۲

کتابی که حقیقت را تحریف میکند در صفحه ۵

بمناسبت ۸ مارس روز جهانی زن در صفحه ۲

زندگی پررنج زنان قالیباف ایران در صفحه ۳

گرامی باد ۱۹ بهمن در صفحه ۱۲

نامه های رسیده در صفحه ۴

## بحران درونی رژیم و چشم انداز فتوای خمینی

فتوای اخیر خمینی، در تاریخ برقرار این رژیم نکتبار، بلحاظ سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی و نیز به لحاظ تأثیر گذاری بر بحران حاد درونی حکومت ولایت فقیه و تلاش در جهت گذار به ساختار واحد حکومتی با توجه به ساختار چند مرجعیت روحانیت شیعه، بی سابقه بوده است. این فتواها نه تنها روحانیت طراز اول رژیم را به واکنشهای مختلفی واداشته است، بلکه در کشورهای عربی و مسلمان منطقه نیز بازتاب وسیعی داشته و با واکنش های مختلفی مواجه شده است. بنابراین لازم است بدلیل اهمیت موضوع، به جنبه های مختلف این فتواها برخورد شود.

فتوای خمینی که درست در اوج اختلافات درونی حکومت وی بر سر نقش و حدود اختیارات دولت صادر شده است، نه تنها کمکی به تخفیف تضاد های درونی رژیم - جدا از تأثیر کوتاه و گذرای آنها در ارعاب جناح مخالف دولت - نکرد، بلکه سبیل جدید تری را نیز فراتر از اختلافات درونی رژیم مطرح ساخته است. خمینی که تاکنون از تاکتیک عدم جانبداری مستقیم از جناح مشخص پیروی کرده و با مطرح نمودن ارجحیت "صالح کل نظام"، بین دو جناح به مانور می پرداخت، تحت فشار بحران دامنگیر حاکمیت علنا بحمايت از دولت برخاسته پیدا است که خمینی بقیه در صفحه ۶

## سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران!

## بهمناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

هشتادسال پیش، یعنی ۸ مارس ۱۹۰۸

هزاران کارگر زن نساجی آمریکا در نیویورک دست به تظاهرات وسیعی با طرح خواسته‌های ۸ ساعت کار در روز، افزایش دستمزد، عدم اشتغال کودکان در تولید و بدست آوردن حق رأی زنان زدند.

در سال ۱۹۱۰ در کنفرانس بین‌المللی زنان در کینسهاک به پیشنهاد کلارا تستکین یکی از زنان سرشناس سوئیسال دمکراسی

آلمان و با تصویب کنفرانس، هشتم ماه مارس بعنوان روز جهانی زنان شناخته شد. از آن تاریخ بی‌عده هر سال، ۸ مارس (۱۷ اسفند) توسط میلیونها نفر در سراسر جهان جشن گرفته میشود. هشت مارس تجلی اراده، متحد زنان سراسر جهان جهت کسب حقوق برابر با مردان و مبارزه علیه ستم مضاعف و استثمار میباشد. در

شرایطی که در اکثر کشورهای جهان زنان ضی مبارزات خود به بسیاری از حقوق اجتماعی و سیاسی دست یافته و حقوقی نسبتاً برابر با مردان در اجتماع و تولید کسب کرده اند، در کشور ما زنان سیاه-ترین روزهای خود را تحت حاکمیت رژیم قرون وسطایی و تاریک اندیش، جنمهوری اسلامی از سر می‌گذرانند. زنان کشور ما ده با مبارزات مستمر خود علیه استبداد شاهنشاهی به برخی از حقوق ابتدایی خود دست یافته بودند، با روی کار آمدن رژیم قرون وسطایی خمینی نه تنها به هدف برابری حقوق زن و مرد نایل نیامدند، بلکه از آن حقوق ابتدایی بدست آمده نیز محروم گشتند. رژیم قرون وسطایی خمینی

با پیاده کردن یکسری قوانین ضد هر نوع معیارهای حقوقی و انسانی از قبیل، تعدد زوجات، پائین آوردن سن ازدواج، محروم نمودن زنان از بسیاری از مشاغل اجتماعی، قابل شدن حق طلاق یک جانبه به مرد، گسترش صیغه، تحمیل حجاب اسلامی و... زنان را رسماً به "انسانهای درجه دوم" تبدیل کرده است.

زنان ترکمن نیز همانند دیگر زنان ایران بی بهره از حقوق حقه خویش در ظلمت نظامی قرون وسطایی بسر می‌برند. هر چند رژیم خمینی قادر نبوده است صیغه را به زنان ترکمن (بعملت سنی بودن آنها) تحمیل کند و آنها را در چاقچور اسلامی پیچد، لذا در عرصه‌های دیگر ابتدایی-ترین حقوق آنان را نیز پایمال کرده است.

با توجه به ویژگیهای ملی و سیاسی ترکمنستان ایران، فعالیت زنان ترکمن در گذشته، در عرصه‌های سیاسی چشمگیر نبوده است. اولین حرکت‌های سیاسی مشکل آنها، در بحبویه، انقلاب بصورت شرکت فعال در تظاهرات ضد شاهسی شکل گرفت. بدنبال سقوط شاه و جایگزینی آن با خمینی و بنیانگذاری کانون فرهنگی-سیاسی خلق ترکمن، مبارزات زنان نیز وارد فاز نوینی شد. زنان ترکمن که طی قرون متادای، اعتراضات خود علیه ظلم و اجحاف را با سرودن "لاله لر" و... بیان کرده و در برابر نظامهای استبدادی بصورت نه چندان فعال ایستادگی میکردند، با وقوع انقلاب و ایجاد کانون و تشکیل کانون

زنان ترکمن، بصورت فعال و مشکل‌وارد کارزار شدند. کانون زنان ترکمن در مدتی کوتاه، همه زنان مبارز و آزادیخواه را در صفوف خود مشکل کرد. شرکت نمایندگان کانون زنان ترکمن در کنفرانس زنان در تهران اولین قدم اساسی در جهت پیوند مبارزات آنها با مبارزات سراسری ایران بود. شرکت فعال زنان ترکمن در راه پیمایی‌ها، میتینگها و غیره که از طرف کانون برپا میشد و سازماندهی شورای قالی بافان، بیانگر رشد آگاهیهای سیاسی و اجتماعی زنان ترکمن تحت حاکمیت شورائی و رهبری کانون بوده و اراده راسخ آنان را در مبارزه برای محور روابط پدرسالاری و ستم مضاعف و همچنین کسب حق تعیین سرنوشت خلق ترکمن در ایرانی آزاد و دمکراتیک است.

خلق ترکمن هیچگاه فداکارها و قهرمانیهای زنان ترکمن در تأمین پشت جبهه جنگ تحمیلی اول و دوم رژیم بر خلق ترکمن در گنبد را فراموش نخواهد کرد و خاطره شهرداری چون صفر گل خالدزاده و بایرام بی بی ملتی جاودانه خواهد ماند. زنان ترکمن یک دل و یک جان در برابر یورشهای خونین رژیم خمینی بپا خاسته و فعالیت‌های پشت جبهه را به جان خریدند. هرچند بدنبال سرکوب خلق ترکمن توسط رژیم خمینی، مبارزات زنان نیز بمثابه بخشی از جنبش انقلابی خلق ترکمن، دچار رکود نسبی شد. ولی هرگز از تکاپو نیفتاد. مبارزات

## زندگی پررنج زنان قالیباف ایران

قالیبافی در ایران يك شغل دیرینا است . زنان قالیباف از کودکی تا پیری تا آن زمان که نیروی جسمی آنان کاملاً تحلیل نرفته است ، قالی می‌بافند . آنها تمام سالهای کودکی ، جوانی و روزهای کمبخت را در کنار دار قالی سپری میکنند و گاه ماهها میگذرد و آنها نمی‌توانند درختش آفتاب را ببینند ، چرا که کار از اولین ساعات طلوع خورشید آغاز و تا غروب در اتاقهای نور و کم سو ادامه می‌یابد ؛ به همین سبب اکثر آنها از بیماریهای گوناگون رنج می‌برند - راشیتیزم (نرمی استخوان) و تراخم در میانشان فراوان دیده میشود و از آنجا که دوران حاملگی هم استراحتی ندارند ، اکثراً با امراض گوناگون در این رابطه دست په گریبانند ؛ زایمانهای سخت ، کودکان ناقص الخلقه و بیمار از این جمله اند . در پاره ای موارد کار سخت و طاقت فرسا به مرگ جنین می‌انجامد . چند روز بعد از تولد ، کارگاه قالیبافی محل زندگی طفل میشود و طبعا بدلت نامناسب بسودن محیط آن ، به بیماری طفل می‌انجامد . در سابق زنان خانواده همگی در بافتن قالی که با بفروش رسیدن نثر اقتصاد خانواده جان میگرفت ، شرکت میکردند . اما بتدریج کار قالیبافی فرم دیگری بخود گرفت و زنان به شکل روزمزد در خانه افراد مرفه و یا در کارگاههای قالیبافی مشغول کار شدند و به ظالمانه ترین شکل نیروی کار آنها مورد استثمار قرار گرفت . در مناظرو مختلف ایران یکی از این دو

شکل قالیبافی و یا تلفیقی از این دو ، مرسوم میباشد . در ترکمنستان ایران ، شکل اول ، یعنی شکل سنتی آن ، شکل غالب میباشد و هنوز قالیبافی از چهار - چوب خانه ها خارج نشده و به کارگاهها قالیبافی راه نیافته است . بهرحال این روند در سرتاسر ایران از ترکمنستان ایران گرفته تا استان کرمان همچنان ادامه دارد .

ربابه نصرتی زن چهار ساله قالیبافی در یکی از روستاهای استان کرمان است ، او چنین میگوید :  
"سی سال است قالی میبافم . اول پترای خود مان می‌بافتم ، بعد پشم گران شدم و نتوانستم بخریم ، برای همین من کارگر شدم . اوایل برای هر روز کار ( از طلوع تا غروب آفتاب) تنها يك نان بسه من میدادند که آنهم نهار ظهرم بود یعنی فقط از گرسنگی نمی‌مردم . بعدها وضع عوض شد و از روزی ۲ تومان شروع شده و حالا روزی ۱۵ تا ۲۰ تومان مزد می‌گیرم ؛ و آنهم به جایی نمی‌رسد . چشمهایم دیگر درست نمی‌بینند . کرم همیشه درد میکند و پاهایم به سختی راست میشوند . نه به بچه هایم میرسم و نه به خانه ام . نه روز تعطیل داریم ، نه مخصصی مرضی و نه اضافه لاری . اعترافم هم بکیم بیرونمان میکنند و اینقدر آدم بیکار هست که بلافاصله کار را شروع میکنند . یکروز هم پای دار قالی می‌میرم و حتی يك قالی هم خودم در خانه ام ندارم "

ربابه چهار سال دارد ، اما ۶۰ ساله بنظر میرسد . چهره ای رنگ پریده و تکیه دارد و پستی خمیده . دستهای کوچک و استخوانیتر در اثر کار زیاد چروکییده شده اند . او مادر شش فرزند است که سه دخترش راه دشوار او را پی میگیرند و نعرشان تباه میشود . از جوانی شان می‌کاهند و گلپای قالی را بار می‌آورند .  
"رخساره" زن جوان دیگری است که وقتی از کارش می‌پرسیم لبخند تلخی بر لبانش می‌نشیند و میگوید کدام کار؟ همین جان کندن را می‌گوئید ؟  
"در این کارگاه ما ۵ زن هستیم من بیشترین دستمزد را که روزی ۲۰ تومان است می‌گیرم . نه ساعت کار مشخصی داریم ، نه بیمه و نه بازنشستگی . کارگاه ما زیر زمین است که آفتاب نمی‌گیرد . کارفرما مرتب دنبال بهانه است تا ما را بیرون کند و برای اینکه ما را بیمه نکند و در مقابل اداره کار مسئول نباشد بعد از مدت کوتاهی اخراجمان میکند و بعد دوباره استخداممان میکند ."  
زن قالیبافی از روستای ساقار یلقی ترکمنستان ایران ، میگوید : "دارای چهار فرزند هستم ، با دشواری فراوان مواد اولیه قالی را تهیه می‌کنیم ، سپس دو الی چهار نفری مشغول کار میشویم . تقریباً ۷۰ الی ۸۰ روز شب و روز روی قالی کار می‌کنیم . بعد از اتمام و تصفیه حساب مواد اولیه و دیگر مخارج ، بطور متوسط روزی ۸۰ الی ۹۰ تومان به ازای روزی ۱۴ الی ۱۵ ساعت بقیه در صفحه ۷

حق تعیین سرنوشت بدست خودیش حق همه ملل است

## نامه‌های رسیده

مدتی بعد از انتشار "بیانیه" و نیز

اولین شماره "ترکمنستان ایران" نامه‌های متعددی بدستمان رسیده است. مضامین این نامه‌ها علاوه بر تاد با شهادت و تبرید، جهت اعلام استقلال کانون فرهنگی -

سیاسی خلق ترکمن، حاوی نظرات و پیشنهادات سازنده‌ای هستند که مسلماً پستوانه محکمی برای دار شهبانه روزی هیئت تحریریه ارگان کانون می‌باشد. ما تلاش خواهیم کرد در حد امکاناتمان

گوشه‌ای از این نامه‌ها را در ارگان کانون درج نموده و به سؤالات نویسنده‌گان

نامه‌ها پاسخهای لازم را بدهیم. ما از تمامی نویسندگان نامه‌ها صمیمانه تشکر

نموده و پیشنهادات سازنده آنان را بکار خواهیم گرفت. باز هم انتظار داریم

که مبارزان راه آزادی و بهروزی مردم ایرا ما را در راهی که در پیش گرفته ایم، از

هر جهت یاری رسانند؛ ارسال نامه و صرح انتقادات و ارائه پیشنهادات خود

نوعی از مساعدت و همکاری است. در ذیل گوشه‌ای از نامه رفیقی را می‌آوریم که

خود از مبارزان و انقلابیون ثابت قدم خلق ترکمن است.

"به برادران و رفقای مسئول کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن

به هیئت تحریریه، نشریه "ترکمنستان ایران

اخیراً بیانیه کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن و نخستین شماره، نشریه "ترکمنستان

ایران" را که یکی از رفقای محل ما رسید، بود ملاحظه و مطالعه نمودم. با کمال

افتخار بعنوان یک نفر ترکمن که تمام عمر خود را در راه خوشبختی و سعادت و

بنما جهت اعلام استقلال کانون فرهنگی -

سیاسی که تحقق آرزوی دیرینه، تمامی مبارزین خلق ترکمن و نتیجه زحمات فرد

فرد مبارزین ترکمن و ضامن پیروزی مبارزات صولانی خلقمان است. از نظرات و

پیشنهاداتی که مطرح ساخته اید تشکر میکنم. همانطور که در شماره‌های مختلف

"ترکمنستان ایران" ملاحظه نموده اید، پیشنهادات سازنده شما بکار گرفته شده

است. ما در انتظار پیشنهادات بعدی شما هستیم.

نامه دوم را رفیق ت - د برای ما ارسال داشته اند که در اینجا قسمتی از آنرا می‌آوریم:

"رفقا و دوستان گرامی! بینهایت خوشحال و خوشوقتم از اینکه شما فرزندان

راستین خلق ترکمن کمر همت به برآوردن آرزوی دیرینه، خلق خود بسته اید. اعلام

استقلال کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن یک ضرورت عاجل و انقلابی بوده و

هست که حتماً میبایست در جهت آن حرکت میشد. من بعنوان یکی از فرزندان

خلق ترکمن و یکی از کادیکه از ابتدای شکل‌گیری این کانون شرکت داشته‌ام و در

آن فعال بودم، نهایت شادی و خرسندگی خود را از اقدام و تلاش شما برادران

گرامیم ابراز میدارم. بیانیه شما را بناسبت گرامید است ۶۳ - مین سالگرد

اعلام جمهوری ترکمنستان ایران مطالعه کردم. مطالب بیانیه بخصوص، بررسی

تاریخچه، مختصر مبارزات خلق ترکمن ایرا تحسین برانگیز است. تلاش شما را بعنوان

بقیه در صفحه ۱۱

آزادی خلق رنج دیده و دستم کشیده، ترکمنهای ایران مصروف داشته، از صمیم

قلب به آن مبارزان با شهامت شاد باشم می‌گویم. تصمیم شما مبنی بر استقلال

کانون فرهنگی - سیاسی بنظر من تصمیمی بجا و بموقع است. این عمل خیلی بیشتر

از این میبایست میشد. بقول خود مان "هیچ دن گیم یخشی". مرحله کنونی

پیشرفت جامعه ترکمنصرا حقیقتاً تشکیل چنین کانونی را ایجاب میکرد. امیدوارم

در آینده این کانون تبدیل به یک حزب نیرومند و پرنفوذ ملی گردد. رفیق، بعد

از بر شماری فراهم بودن زمینه‌های عینی و ذهنی اعلام استقلال کانون به این

نتیجه گیری میرسند که "بعقیده" من دوراً کانونی جامعه، ما پیشرفت‌های زیادی

نموده و با گذشته تفاوت‌های بسیاری دارد، اینک تحصیل کرده‌ها و روشنفکران، خود

قشری از جامعه را تشکیل داده اند که قادر به حل و فصل هرگونه مسایل

اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و غیره میباشند. اینهاست آن آلترناتیوی که

ضرورت تشکیل کانون را ایجاب نموده است. من بنوبه خود بار دیگر به شماها

از صمیم قلب شاد باشم. میگویم و هر چه از دستم برآید در خدمت شما، یعنی کانون

حاضر و آماده‌ام، از این لحظه خود را با شما میدانم و به خودم حق میدهم که برای

پیشرفت سریم کارهای کانون بعضی نظرات خود را نیز با شما در میان بگذارم

تا شاید مورد قبول آن برادران واقع شود و مفید افتد.

رفیق گرامی! ما نیز با تبریکات متقابل

## کتابی که حقیقت را تحریف میکند

مثن زیر ترجمه' به اختصار مقاله‌ای از آن به مسایل عدیده‌ای در عرصه‌های اجتماعی - سیاسی و اقتصادی پرداخته می‌شود. در این اثر از منابع فارسی، عربی و همچنین آثار علمی دانشمندان اروپایی غربی که بزبان فارسی ترجمه گردیده‌اند، استفاده شده است. در برخی موارد به اشعار مکتومقلی بمشابه منبع تاریخی و ندرتا نیز برخی آثار درجه دوم دانشمندان شوروی استاد میگردد. عنوان کامل کتاب "ترکمنستان در تاریخ و بررسی وضع ترکستان در نیمه دوم قرن نوزدهم" است. این کتاب دارای یک مقدمه و سه بخش بوده، هر بخش نیز چند فصل را دربر می‌گیرد. "ترکمنستان در تاریخ" به انضمام فهرست آثاری که از آنها استفاده شده شامل ۱۹۲ صفحه است. گرچه کتاب "ترکمنستان در تاریخ" نامگذاری شده است اما همانگونه که خود مؤلف نیز خاطر نشان می‌سازد، در آن اساساً سخن از بخارا و امیر بخارا می‌رود.

در بخش نخست، بخارا بعنوان مرکز اسلام تصویر گردیده، در رابطه با تاریخ گذشته آن و حکومت‌هایی که در آنجا استقرار یافته و نیز نحوه ورود آن به ترکیه روسیه و استقرار حکومت شوروی در آنجا، در اکثر موارد اطلاعات قلب شده و خلیلی جاها نامی از منبع نمی‌برد. جملاتی خوانندگان بویژه ادبا و مورخین را بخود جلب کرد. نویسنده کتاب مذکور جوانی است ترکمن بنام آراز محمدسارلی، که پس از اتمام دوره دبیرستان اکنون طلبه یکی از حوزه‌های علمیه شهر قم میباشد. بعلاوه تجارت، بازار و بازاریان، برده داری و این کتاب نخستین تألیف مؤلف بوده، در علل آن و مؤسسات اجتماعی سخن رفته

مثن زیر ترجمه' به اختصار مقاله‌ای از هفته نامه "ادبیات و هنر" چاپ عشق - آباد، بقلم دانشمند کرانقدر و کاندیدای علوم فیلولوژی، آشوریور مردف میباشد.

امروزه ایدئولوژیهای بورژوازی در راه خدمت به امپریالیسم، جلوگیری از رشد بالندگی راستین و بویژه ایجاد حسد در مقابل تأثیرات روز افزون تعالیم مارکسیسم - لنینیسم به شیوه‌های گوناگونی روی می‌آورند. یکی از این شیوه‌ها نیز بهره گیری از برخی روشنفکران اقلیت‌های ملی در جهت خدمت به منافع ایدئولوژیک خود می‌باشد. گواه بارز این امر سیاستی است که رژیم ارتجاعی - مذهبی کنونی ایران در پیش گرفته است. این رژیم جهت مقابله با سازمانهای مترقی ترکمن‌های ایران و در وهله نخست کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن، تلاش میکند تا عناصر سست عنصری از میان همان خلق را بعنوان کادر تربیت نماید.

کتاب "ترکمنستان در تاریخ" را، که چندی پیش از سوی یکی از مراکز مهم انتشاراتی ایران بنام انتشارات امیر کبیر منتشر گردیده، میتوان بعنوان یکی از اینگونه فالتها نمونه آورد. این کتاب توجه خوانندگان بویژه ادبا و مورخین را بخود جلب کرد. نویسنده کتاب مذکور جوانی است ترکمن بنام آراز محمدسارلی، که پس از اتمام دوره دبیرستان اکنون طلبه یکی از حوزه‌های علمیه شهر قم میباشد. بعلاوه تجارت، بازار و بازاریان، برده داری و این کتاب نخستین تألیف مؤلف بوده، در علل آن و مؤسسات اجتماعی سخن رفته

است. در یکی از فصول این بخش، در رابطه با مدارس خصوصی، مساجد و آثار تاریخی، هنر، خوانندگان، نقالان، علما، اطباء و طبابت نیز توضیحاتی داده شده است. کتاب به تصاویر متعددی مزین گشته است. این تصاویر از کتابهای مختلف تاریخی گرفته شده. در فصل دیگر نیز به تشکیلات حکومتی و بویژه موقعیت اجتماعی و سیاسی امیر بخارا، زندگی خصوصی وی، نیروهای نظامی و انتظامی بخارا و غیره پرداخته میشود. آخرین فصل کتاب "سقوط بخارا" نامیده شده، در آن سیاست‌هایی که از طرف انگلستان، ترکیه، ایران و روسیه در رابطه با ترکستان اعمال گردیده است مورد بررسی قرار می‌گیرد. مؤلف این عصر را دوران سیاه ترکستان نامیده و وقایع چندی را که مسبب آن بوده است بر می‌شمارد.

هر چند مؤلف از ۱۲۶ اثر بعنوان کتاب - های مرجع نام می‌برد لیکن اغلب صفحات کتاب مستقیماً از کتاب دانشمند مجارستانی "وامبری بنام" سیاحت آسیای میانه" (سیاحت درویش دروغین) گرفته شده است. علیرغم اینکه مؤلف در بسیاری موارد از کتاب فوق استفاده کرده است، لذا در خیلی جاها نامی از منبع نمی‌برد. جملاتی نیز که ظاهراً از کتاب مذکور نقل میشود، در صفحات ارجاعی نویسنده یافت نمیشود. در حقیقت این امر چیزی جز یک نوع تحریف علمی نمی‌باشد.

تنها نکته درخور توجه و مثبت موجود بقیه در صفحه ۱۰

بحران درونی رژیم و ...

با توجه به تشدید اختلافات درونی رژیم، ناراضیاتی روزافزون مردم و ادامه سیاست ایران بر پادده جنگ خانمانسوز به ایسنا تكتيك دست یازیده است. در پی این موضع گیری مشخص خمینی بنفع دولت، برای جناح مخالف دولت چاره ای جز دادن مانوری دیگر و بیعت دوباره با "امام" و ابراز بندگی با وی نمانده بود. از سوی دیگر همین جناح با روگردن پرونده "دزدی و اختلاس جناح مخالفی و تکیه روی "فقه سنتی" در صد دخنشی کردن ضریات وارده برآمده و حتی تدارک حملات متقابل را می بیند. عسکر اولادی به جناح طرفدار دولت هشدار داد که از فتوای خیمینی نباید جهت "استحکام مواضع خیالی خود" بهره گیرد؛ و آیت-الله کئی، رئیس جامعه روحانیت مبارز تهران با پیش کشیدن "فقه سنتی" اظهار میدارد: "مسئله نظریات حضرت امام، این نیست که ولی امر میتواند مضاربه و مزارعه را منسوخ کند، یک چنین چیزی را پیغمبر هم نمیتواند بگوید تا چه برسد به یک فقیه؟! و پرونده "دزدیهای میلیاردری شرکت نفت و بنیاد نبوت و ... در همین رابطه رو میشوند. از طرف دیگر جناح طرفدار دولت، سعی در نهایت بهره برداری از فتوای خیمینی را دارد و مواظب است تا همچنان تصور را داغ نگهدارد و نگذارد که "یک جوروی مثلا این را بعنوان یک کار ضرریتی و مقطعی حساب بکنند" و در تلاش است تا "روح فقاها که از مدتها قبل بیسپله" محتشمی، وزیر کشور، تمامی شهرستانها را از وجود با نزدیکتر شدن انتخابات مجلس،

دوره سوم، برخوردارها و تشبهای جناح - های حاکمیت نیز تشدید میشود. اکنون، خود تدارک انتخابات و معرفی کانیداها به یکی از عرصه های حادثبرد رونی رژیم بدل شده است. جناح مخالف دولت که بدنبال انحلال حزب جمهوری اسلامی از اهرم مهمی جهت قبضه مجلس سوم محروم شده است، در پی کسب اهرم دیگر برآمده است. حاصل این تلاش دریافت مجوزی فعالیت مستقیم "جامعه روحانیت مبارز تهران" در عرصه انتخابات بسود این مجوزی که شخصا از طرف خیمینی صادر شده است، دامنه فعالیت "جامعه روحانیت مبارز" به سرکردگی مهدوی کئی را تا سطح شهرستانها گسترش می دهد. این جناح همچنین از اهرمهای دیگری چون شورای نگهبان، اکثریت امامان جمعه شهرستانها، بازار و غیره برخوردار است. بازار، با توجه به امکانات وسیع مالی و نفوذ سیاسی رو به افزایشی که دارد میتواند نقش پراهمیتی در حمایت از جناح مخالف دولت، بویژه در عرصه انتخابات ایفا کند. جناح مقابل که از امکانات وسیعتری نسبت به جناح مخالف خود برخوردار است، به مدد فتوای خیمینی میدان بازی جهت تثبیت ارگانها ک دولتی و اعمال قدرت از این طریق در برابر خود می بیند. دقیقا در این رابطه است که سردمداران این جناح بگونه تب آلودی بر تلاشهای خود جهت قبضه مجلس دوره سوم افزوده اند. این جناح که از مدتها قبل بیسپله" محتشمی، وزیر کشور، تمامی شهرستانها را از وجود استانداران، فرمانداران و بخشداران

وابسته به جناح مخالف خود پاکسازی کرده بود، امید زیادی به شلست حریف خود در انتخابات بسته است. اکنون هر دو جناح میکوشند، عامل ورشکستگی مجلس دوم و "بن بست قانونگذاری در دوره دوم" را جناح مقابل معرفی کرده و خود بعنوان ناجی رژیم از بحران فراگیر و طرفدار "مستضعفین" وارد معرکه انتخابات شوند. مسلما با نزدیکتر شدن هر چه بیشتر انتخابات، نقل اختلافات درونی رژیم نیز به این عرصه منتقل خواهد شد. اهمیت قبضه مجلس دوره سوم برای جناحهای درگیر، بویژه از این لحاظ حیاتی است که هر دو جناح احتمال مرگ خیمینی در این دوره را می دهند. مجلس دوره سوم در غیاب خیمینی نقش تعیین کننده ای در سرنوشت جمهوری اسلامی خواهد داشت. همچنین فتوای خیمینی بسه بحث های جدی در زمینه تخیر ساختار چند مرکزی روحانیت شیعه دامسن زده است. ما اکنون شاهد برخورد های سیاسی - ایدئولوژیک حاد میان جناحها ک مختلف رژیم و روحانیون طراز اول - چه آنهايي که از زمره گردانندگان اصلی رژیم اند و چه آنهايي که خارج از این جمع اند - هستیم. واقعیت این است که روحانیت شیعه، هیچگاه دارای مرکزیت واحد مرجعیت و تصمیم گیری نبوده و هر يك از مراجع تقلید در حیطه نفوذ خود از اختیارات تام و تمامی برخوردار بوده و هیچيك از آنان مقید به پذیرش مرجعیت و پیروی از دیگری نبوده است. عدم وجود بقیه در صفحه ۸

بهاران خجسته . . .

مردم قهرمان ایران! فرا رسیدن عید باستانی نوروز را بشما تبریک می‌گوئیم. امسال در شرایطی به استقبال بهار میرویم که سایه شوم سرگ بر فراز میهن ما ایران بال گسترده است. جنگ همچنان ادامه دارد و روزانه صدها نفر از نوجوانان و جوانان میهن را در کام خود می‌بلعد.

رژیمهای ضد مردمی ایران و عراق همچنان شهرهای مسکونی یزدیگر را آماج موشکهای مرگ آفرین خود میسازند و قربانیان آن مردم بی‌گناه و بی‌دفاع دو کشور است.

حکومت ضد بشری خمینی همچنان بر طبل جنگ می‌کوبد و بر شعار ایران بر باد ده " جنگ جنگ تا پیروزی " سبعانه پستی می‌نشارد و در راه اهداف پلید و توسعه

طلبانه خود قربانیان تازه می‌طلبند. سه میلیون نفر از هم میهنان ما آواره شهرها شده اند و یک میلیون نفر شسته و زخمی و مفقود الاثر حاصل این جنسیت خانمانسوز بوده است. نیاوانگان میهن بجای اینکه پشت میز مدرسه بنشینند مجبور می‌شوند گوشت دم توپ گردند. رژیم ضد مردمی خمینی بی‌توجه به افکار عمومی و محافل بین‌المللی، آتش جنگ را برافروخته نگه داشته و آینده سازان میهن را فسوج- فوج به جبهه های بی‌بازگشت اعزام میکند؛ فداکارترین فرزندان میهن در سياهال- های رژیم در بندند؛ رژیم تحت عنوان "امت واحد اسلامی" در صدد نابودی خلقهای ایران است و خلق قهرمان کرد قتل عام میشود؛

گرانی بیداد می‌کند و زندگی تسوده؛ مردم روز بروز به تیرگی می‌گیرید؛ بازاریان و سرمایه داران در سایه رژیم مستکبر پرور. ولایت فقیه روز بروز فربه تر می‌شوند و زحمتکشان را به روز سیاه می‌نشانند؛ جزم اندیشان ولایت فقیه و پاسداران جهل و خرافه هر گونه صدای اعتراض را با گلوله پاسخ می‌دهند؛ ایران به زندانی بزرگ تبدیل شده است.

مردم قهرمان ایران! رژیم ددمنش خمینی دشمن آزادی و سمن ملی شماست. بهار زندگی شما در سرتنگی رژیم آزادی کش و تاریک اندیشان ولایت فقیه و جایگزینی آن با حکومتی دموکراتیک و انقلابی و صلح طلب است.

زندگی پررنج زنان . . .

تکه، یوموت، گؤکلنگ یانیر آلیلی  
بیر دولته قوللوق اتدک باشیمیز  
آری اینست برنامه مشخصه استاد، اتحاد  
و ایجاد دولت ملی. این ایده سترگ  
در تمامی آثار استاد به گونه ای رخ مینماید  
این ایده همانند خورشید فروزنده های است  
در آسمان اندیشه های شاعر. بدون در  
نظر گرفتن آن ما هرگز به عمق گفته های  
شاعر دست نخواهیم یافت.

زنان قالیباف ایران، همچون دیگر  
زنان کارگر، بشدت استثمار میشوند و رژیم  
ضد بشری خمینی نمیتواند و نمیخواهد کوچک  
ترین اقدامی در جهت بهبود شرایط کار  
و زندگی آنها انجام دهد. زنان قالیباف،  
آرام آرام در کارگاههای قالیبافی فرسوده  
میشوند، بی آنکه حتی یکروز به آینده  
امیدوار و یا با خاطره ای خوشتر به گذشته  
نگریسته باشند.

زیر نویسها:  
(۱) مختم قلی سایلانان اثر لر، چاپ  
عشق آباد، ۱۹۸۳، صفحه ۵۰۰  
(۲) // // // // // صفحه ۳۷۲  
(۳) // // // // // صفحه ۲۴۲  
(۴) // // // // // صفحه ۲۰۲  
(۵) // // // // // صفحه ۲۱۴  
(۶) // // // // // صفحه ۲۱۴

نامه های . . .  
سخن گوید:  
حضر گزن چؤلده ایلر یایشین (۵)  
یورت بنامیز قایم بولسون فورولسین  
چلله مت نرلریمز بارجا آیشلین  
بیر سفره دا ادا بولسون آشیمیز  
و باز در همان شعر:  
ترکمن لر باغلاسا بیر یره بیلی (۶)  
فورودار قولزومی دریا بی نیلی

دار، آید ما میشود. برای فروتر. قالی نیز  
باید چند روز با دللهای محل چانه بزنیم.  
آخوند ها موقع انقلاب حرفهای زیادی به  
طرفداری از فقرا و زنان میزدند که همماش  
دروغ بود. آخر، زنان این آخوند ها  
معنی "نداری" را نمیدانند و مثل ما  
احتیاجی ندارند تا از صریق قالیباف چرب  
زندگیشان را بچرخانند. ما مجبوریم حتی  
برای دفتر و مداد و . . . بچه هایمان شب  
و روز کار بکنیم تا آنها از تحصیل محروم  
نشوند."  
زن قالیباف دیگری از گفتید می‌گوید:  
"چه بلایی بر سر قالی ما این آخوند ها  
آوردند که به نصف قیمت هم نمی‌خرند.  
خمینی نشد، حییت شد! روزیکه خمینی  
بمیرد یک جشن برپا می‌شیم!"

برقرار باد اتحاد خلقهای تحت ستم ایران!

## بحران درونی رژیم و . . .

ساختار هیرارشی در میان روحانیت شیعه یکی از علل اختلافات دیرپا در بین آنها و بتبع آن در میان مقلدان آنها بوده است. با در نظر داشتن این مسئله است که خمینی بقصد از هم پاشاندن این چند مرکزی روحانیت شیعه و تثبیت قدرت مطلقه خویش و ایجاد مرکزی واحد به حملات سیاسی - ایدئولوژیک گسترده ای پرداخته است. خمینی در فتواهای اخیر خود با طرح اینکه ولایت مطلقه فقیه از اصول اولیه دین و حکومت ولی مطلقه "یکی از احکام اولیه اسلام و مقدم بر تمامی احکام فرعیه" است، درست در جهت برقراری سلسله مراتب هیرارشی در ساختار روحانیت شیعه برآمده است. در این سلسله مراتب جدید، حکم حکومتی بالاتر از احکام شرعی قرار میگیرد. حاکم میتواند آنها را در صورت لزوم نقض نماید. در همین رابطه است که طرفداران ولایت مطلقه فقیه که امید تصاحب ولایت مطلقه بعد از مرگ خمینی را در دل می‌پروراند، فشار خود را بر جناح مقابل، جهت پذیراندن آن آغاز کرده اند. محتشمی، وزیر کشور، معتقد است که: "آنچه را کنه و لسی فقیه می‌فرماید برای همه لازم الاجرا است حتی مجتهدین و مراجع تقلید". و رفسنجانی نیز از قول منتظری می‌افزاید: "اگر مراجع زیادی وجود داشته باشند و یکی از بیس همه انتخاب شود و با یکی بیعت شود، دیگر دستشان باز نیست که برخلاف نظر ولی فقیه، تصرف در امور عامه کنند". عمل - کرد این حرکت جدید خمینی در رابطه با مسئله فوق را، میتوان در انتخاب ترکیب "مجمع بررسی صلحت نظام" مشاهده نمود. در این مجمع انتصاب شوندهگان برخلاف واجدین شرایط انتصاب شوندهگان به شورای نگهبان که "فقه‌های عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسایل روز" اصل ۹۱

قانون اساسی جمهوری اسلامی هستند، با زیر پا گذاشته شدن حتی "معیارهای" خود ساخته رژیم، مستقیماً از طرف خمینی تعیین شدند. با ایجاد این مجمع عملاً از شورای نگهبان - هر چند خود این شورا نیز در ترکیب مجمع حضور دارد - نقش دآوری نهایی و انطباق دهنده قوانین با شرع و فقه، سلب شده است. طبیعی است که مراجع تقلید شیعه براحتی از منافع مرجعیت خود چشم پوشی نکرده و در مقابل فتواهای خمینی مقاومت خواهند کرد. طبعاً این مقاومت بازتاب خود را در عرصه انتخابات و بیوزنه در کشمکش‌های درونی حاکمیت و برخورد های دو جناح خواهد یافت.

در مرکز فتواهای خمینی، تقویست دولت و گذار آن بیک دولت مقتدر و بخود مدار، که حتی در شرایطی بنابه "صلحت کل نظام" مافوق قوانین شرعی و فقهی عمل خواهد کرد، قرار گرفته است. وجود دولتی مقتدر و خود مدار، هم برای حال و هم برای آینده رژیم امری است حیاتی؛ چه، خمینی بخوبی واقف است که رژیم او بر ستری از تضادهای حل نشده ای که موجد انقلاب بهمین بوده پایه گذاری شده و تضادهای جدیدی نیز بعد از انقلاب بهمین بسر آن افزوده شده است. بدیهی است که اگر این تضادها بموقع حل نشوند از جای سر باز کرده چون آواری بر سر رژیم فرود خواهند آمد. رژیم ولایت فقیه هرگز قادر نیست این تضادها را حل کند. عملکرد مجموعه این تضادها و تناقضات، بی‌آیندگی رژیم جمهوری اسلامی را هر روز که میگذرد برای گردانندگان آن مسجل می‌نماید. اما برقرار دولتی مقتدر که آینده رژیم را با تکیه بر رفرم و سرکوب توتالیتاریسم تعیین نماید مستلزم داشتن بنیه اقتصادی قوی و ساختار حکومتی واحد منطبق با زیر بنای جامعه میباید، که جمهوری اسلامی فاقد هر دو آنهاست. در شرایط فعلی

دولت جمهوری اسلامی با بحران اقتصاد کم سابقه ای گریبانگیر است. سیر نزولی بیسابقه قیمت نفت در بازار جهانی و احتمال سقوط آن تا حد ۱۰ دلار برای هر بشکه در سال جاری، هزینه گمرشکن جنگ که بیش از نصف بودجه دولت را می‌بلعد، تورم پولی، سیر صعودی واردات و ناتوانی مفرط دولت در تأمین مایحتاج عمومی مردم و صعود بیسابقه قیمت کالاها، تعطیلی بسیاری از مراکز تولیدی و یا تغییر ساختار تولید صنایع ساختار تولید وسایل نظامی، نابودی بخش عظیمی از نیروی کار در جبهه ها و ۵۰۰۰ دولت را هر روز در گرداب اقتصاد بیمار و بحران زای سرمایه داری وابسته ایران فرو می‌برد. بررسی بودجه سال ۱۳۶۷ نیز نشان میدهد که روند فوق باز سیر صعودی طی خواهد کرد. تاجائیکه در سال ۱۳۶۷ دولت جمهوری اسلامی مبلغ ۱۲۵ میلیارد تومن کسری بودجه داشته و میزان استقراض آن از بانکها شامل ۱۱۳۷ میلیارد ریال خواهد بود.

اکنون نیز دولت جمهوری اسلامی؛ با توجه به روند فوق و کاهش بیسابقه قیمت نفت و میزان استخراج و مشکلات صدور آن از یکسو و از سوی دیگر با تسه کشیدن آخرین رمق مردم جهت اخذی به اصطلاح کمکهای آنها به جبهه های جنگ و در یک کلام با فرو رفتن در یک بحران فلج کننده غیر قابل برون رنست است که چشم به سرمایه انباشته شده تجار دوخته است. اقدامات چند ماهه اخیر دولت جمهوری اسلامی در دادن شعارهای "مستضعف نوازانه" و برقراری بیه اصطلاح کنترل بر توزیع کالاها از طرف تجار و مبارزه با به اصطلاح کرافتووشی و "فشار" بر تجار تنها در رابطه با مسئله فوق قابل تعبیر است.

از طرف دیگر جمهوری اسلامی، از بدو تشکیل خود نتوانسته است ساختار بقیه در صفحه ۱۲



## آغاز دور...

براین تلاش است تا از خود چهره ای صلحجو در افکار عمومی به نمایش بگذارد، با تأکید بر ادامه جنایات خود، معتقد است: "تا جنگ هست، جنگ شهرها هم هست". و در مقابل سردمداران رژیم خمینی که صرانه بر ادامه جنگ و کشت و کشتار پای می‌نشانند، اعلام می‌دارند که: "جنگ تا نابودی صدام در جبهه‌ها ادامه یابد". خمینی این جلاد هزاران انسان بیگناه، با گستاخی کم نظیری اظهار می‌دارد: "فرق نمی‌کند شهادت (بخوان کتار) با تانک باشد، تسوپ باشد یا موشک". چون "صدها این است که ما توجه داشته باشیم به اینکه حفظ کنیم ما خود مان را!!" خمینی جنایتکار پسا آسودگی خاطر از مأمون گاه خویش در قبال حملات موشکی رژیم عراق، در حالیکه هر روز صدها نفر به خاک و خون می‌افتند، اعلام می‌دارد: "ما محکم نشستیم ایسم و می‌خندیم!!"

از بدو شروع جنگ، تاکنون این فاز از جنگ به لحاظ حملات موشکی به دل خاک دو کشور و نیز به لحاظ کاربرد دوربردترین و مخربترین اسلحه جنگی نمونه وار است. برای نخستین بار در طول جنگ، تهران و قم مورد اصابت موشکهای عراقی با برد ۶۵۰ کیلومتر قرار گرفتند. میلیونها شهر - وند تهرانی و شهرهای مرکزی ایران، در آستانه فرارسیدن عید نوروز، آواره کوه - ها و بیابانهای اطراف شهرها شدند. سردمداران رژیم عراق مدعی اند که موشکها پرتاب شده به شهرهای ایران، ساخت خود رژیم عراق است. در این رابطه وزیر اطلاعات عراق اظهار داشته است که:

" مسئولان صنایع نظامی عراق به اثبات رساندند که ما وارثان تمدنهای سومری، کلدانی، بابلی و آسوری هستیم و پرزیدنت صدام حسین بازمانده مردان بزرگ تاریخ

است!!" ولی رژیم خمینی، اتحاد جماهیر شوروی را شتم به فروش این موشکها به عراق کرده است. خیرگزارها نیز، اخبار ضد و نقیضی در مورد کشورهایی که این نوع موشکها را در اختیار عراق گذاشته اند میدهند و در این ارتباط صحبت از برزیل، اتحاد جماهیر شوروی، کره شمالی و چین و سوئد و... بیان می‌آید. کنادی گراسیوف سخنگوی وزارت خارجه اتحاد شوروی، اتهام جمهوری اسلامی مبنی بر فروش موشک به عراق را بدینگونه رد میکند: "موشکهایی که در چهارچوب قرارداد دفاعی با عراق به این کشور تحویل داده شدند دارای بردی نبوده اند که به تهران برسند". وی می‌افزاید: "ما از عراق التزام گرفته ایم که این کشور بهیچوجه از نظر فنی تغییراتی در موشکها ندهد و از افزودن بر برد آنها بطور مطلق خود داری نماید".

اکنون عوامل هر دو رژیم در چهار گوشه جهان، در تکاپوی تهیه مخربترین سلاحها بوده و برای بدست آوردن آن از یکدیگر سبقت میگیرند و وارد هرگونه بند و بست می‌شوند. در حال حاضر در همین رابطه هیئت ۷ نفره از طرف رژیم خمینی در سوئد بسر میبرد تا قرارداد تعمیر مجتمع صنایع شیمیایی اصفهان را که در سال ۱۹۸۶ توسط عراق، قبل از بهره برداری آن بپاران شده بود، با شرکت سوئدی " نویل کاتور " منعقد بکند. همچنین این هیئت تلاش میکند تا مقامات شرکت اسلحه سازی سوئدی را راضی به ایجاد یک خط تولید موشک در این کارخانه بکند. اخیراً نیز در بندر رتردام هفت هزار کیلو گرم ماده شیمیایی پرکلریت که جهت ساختن اسلحه شیمیایی و نیز برای سوخت موشک بکار برده میشود، توقیف شده است. این محموله مرکزاً متعلق به رژیم خمینی بوده که توسط قاچاقچیان بین المللی بمقدار ایران بازرگاری شده بود.

بموازات گسترش جنگ شهرها، فشار -

های دیپلماتیک به ایران و عراق، از طرف کشورهای مختلف و مجامع بین المللی و شخصیتهای جهانی نیز آغاز شده است. پاپ مباران شهرها و سران هر دو کشور ایران و عراق را محکوم کرد؛ و صلیب سرخ بین المللی در ژنو خواست که به جنگ شهرها و قتل عام مردم بی دفاع خاتمه داده شود. اتحاد جماهیر شوروی خواهان تشکیل اجلاس فوق العاده شورای امنیت سازمان ملل متحد جهت پایان دادن هر چه سریعتر به جنگ شهرها شد. صدام حسین مخالفت خود با این پیشنهاد شوروی را به این دلیل که: "پایان جنگ شهرها به رژیم خمینی فرصت ظلم بر بحرانی ناشی از حمله به مناطق مسکونی را خواهد داد"، اعلام داشت. خمینی نیز بقصد شعله ورتر کردن نایره جنگ گفت که: "اینها خیال میکنند اگر موشک انداختند ایران بحران شدت میکند!!"

در دور جدید جنگ، رژیم عراق با توسل به سلاحهای شیمیایی و موشکهای دوربرد و کشتادن جنگ به خلیج فارس سعی میکند که جمهوری اسلامی را از حمله گسترده به داخل خاک عراق بسازد. جمهوری اسلامی نیز با توسل به همان شیوه رژیم عراق با هدف قرار دادن موشکی شهرهای عراق و استفاده از سلاحهای شیمیایی و حمله به کشتیهای نفتکش در خلیج فارس، سعی در سازماندهی حملات گسترده زمینی بداخل خاک عراق را دارد. آغاز ظفرهای ۷۰۶ در مناطق کوهستانی کرکوک از طرف رژیم خمینی ادامه همین سیاست و گستردن دانش مرگ و ویرانی است.

### تصحیح و یوزش

در شماره ۶ ارگان، در مقاله بمناسبت ۲۶ بهمن، در صفحه ۱۷ در پاراگراف اول، اشتباها بجای تابع بودن جز از کل، تابع بودن کل از جز نوشته شده است که بدینوسیله تصحیح میگردد.

کتابی که حقیقت را . . .

در کتاب را میتوان مخالفت مؤلف با نگرش برخی از دانشمندان نمایان بورژوازی و بویژه مورخین مرتجع ایرانی دانست که کوشیده و می‌کوشند تا مبارزات خلق ترکمن در راه حراست از ارزشهای ملی و موجودیت خود و پیکار علیه استیلاگران را وحشیگری و چپاولگری قلمداد نمایند. در ضمن نویسندۀ جوان توانسته است جهت اثبات نظراتی که پیش کشیده به سخنان بعضی از نویسندگانی که به روابط ایران و خلق ترکمن برخورد فعال و مسئولانه تـسـری داشته اند استناد جوید. مثلاً دیپلمات انگلیسی "تیریزر" هنگامیکه برای بار دوم پس از یورشهای فتحعلیشاه قاجار بـه ترکمنها اوضاع خراسان را مشاهده میکند، ضمن تأکید بر اینکه این یورشها چه ویرانی‌هایی ببار آورده و ترکمنها در چه دشواری گرفتار آمده اند، چنین ادامه میدهد: "اما بخشی از آنان (ترکمنها) که از مرگ نجات یافته بودند سعی را کیه بر آنان رفته بود هرگز فراموش نکردند. برخلاف حکام دست نشانده پادشاه نه تنها ترکمنها از بیخ و بن نابود نگشته بلکه خشم روز افزون و احساسات فزاینده انتقامجویی آنان طوایفی را که بطور پراکنده و دور از یکدیگر می‌زیستند متحد ساخت. ترکمنهای ماری و سرخس علیرغم شمار اندکشان توانسته اند با خشم و نفرت فراوان به دشمنان خود یورش آورند" (صفحات ۸۵-۸۴) و یا یکی از نویسندگان مشهور ایران جمالزاده که در آثار خود کاستیهای جامعه ایران را پیوسته افشا نموده است ضمن یادآوری تهمت‌های ناروایی که به ترکمنها نسبت داده شده است، ارزیابی

واقع بینانه تری از حوادث تاریخی ارائه داده و چنین می‌نویسد: "هدف از یادآوری این مسأله اینست که سیاستهای اشتباه حکومت‌های ایران در پیش گرفتن روشهای ناشایست، آزمندی و فسادکار-گزاران دولتی، مسبب اینهمه خونریزی، جور و ستم، ویرانی و سایر ضایعات بوده است. اگر حکومت ایران در قبال ترکمنها سیاست درستی در پیش میگرفت و با آنان مناسبات صادقانه و خدا پسندانه ای برقرار میکرد، بیگمان می‌توانست آنانرا مطیع و آرام نگه داشته به منبع سود سرشار نیز تبدیل نماید" (صفحه ۱۹).

علیرغم اینگونه اعترافات و تأکیدات دانشمندان بیطرف، مؤلف در موارد زیاد در افشاء سیاستهای ارتجاعی استیلاگران ایران، شیوه اغماض و سرپوش در پیش میگردد. او حتی آنگاه که توضیحاتی پیرامون بیت زیر از شعر "ریگان ایله دی" مختومقلی ارائه میدهد، از ذکر کلمه "غزلباش" طفره میبرد:

غزلباش آلدی دوشمان آلدی داشمنمز،  
دارغاتی هر یانا دنگی - دوشمنمز،  
باشن ئیلدا بیر کیتابدن ایشیمیز،  
غزلباشلا آلب، ریگان ایله دی.

مؤلف کتاب همچنین میکوشد کلمه "دوشمان" (دشمن) را به مفهوم "آلمانچی" (غارتگر) تعبیر نماید، آنهم نه اردوی غزلباشها (که منظور مختومقلی می‌باشد، از مترجم) بلکه گویا منظور ترکستانیهای مرز نشین است (صفحه ۸۲) و این خود چیزی جز تحریف آشکار فاکتها و وارونه نشان دادن ایده های اصیل شاعر بزرگ نبوده و با اصول بررسی علمی و واقع بینانه بیگانه است.

هر چند کتاب به بررسی وضعیست

ترکستان در نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی و بویژه اوضاع اجتماعی - سیاسی بخارا اختصاص داده شده است، اما هدف اصلی آن کوشش در جهت تخطئه و نفی دستاوردهای بزرگ و کسب استقلال خلق های آسیای میانه و در وهله نخست خلق ترکمن در دوران حکومت شوروی و تحریف جایگاه واقعی خلقهای شوروی است. نویسندۀ در این رابطه با توسل جستن به هر نوع نیرنگی چون غلام حلقه به گوش، حاکمیت ارتجاعی (ایران) عمل میکند.

بر اساس آنچه که در بالا آمد، کتاب "ترکمنستان در تاریخ" را هرگز نمیتوان اثری مستقل و اصولی ارزیابی کرد، که بر اساس برخورد واقعگرایانه به قصد بررسی مسایل مختلف اجتماعی - سیاسی و اقتصادی نوشته شده باشد. "ترکمنستان در تاریخ" اثری است که با اهداف خاص سیاسی که با منافع گروههای ارتجاعی - مذهبی حاکمیت کنونی ایران عجین گشته و بنا خصلت آنتی کمونیستی به رشته تحریر در آمده است. این کتاب نمونه ای از دمدا کتابی است که در کشورهایی که بورژوازی بر آنان سروری میکند با تحریف واقعیت از سوی دشمنان ما منتشر می‌گردد. ضمناً این امر نشانگر آنست که چگونه حکام مرتجع روشنفکران ساده دل و حیوان اقلیت‌های ملی را بقصد بهره‌گیری در جهت منافع سیاسی و ایدئولوژیک خود بسدام می‌اندازند. خوانندگان این واقعیت را حتماً باید مد نظر داشته باشند. دست اندر کاران و فعالین در عرصه ایدئولوژی نیز باید با افشاء پیگیر اینگونه افترا زنیها و دروغ‌های آنها جواب دندان شکنی به آنها بدهند.

هفته نامه "ادبیات و هنر" ۱۸ مارس ۱۹۸۸ عشق آباد

نامه‌های . . .

فرزندان وفادار خلق ترکمن ارج می‌نهم و موفقیت روز افزون شما را در کار و اهداف انقلابیمان آرزو مندیم .

رفیق ت - د ما ضمن تشکر از ارسال نامه شما و تبریکات و شادباشهای متقابل جهت استقلال کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن بعنوان تنها سازمان سیاسی مستقل این خلق، سعی خواهیم کرد پیشنهادات شما را در نظر گرفته و به سؤالات مطروحه در شماره های آینده ارگان پاسخ بدهیم .

سومین نامه را رفیق دایان برای ما ارسال داشته است . این رفیق در قسمتی از نامه خود می‌نویسد : وقتی که چشمم به "ترکمنستان ایران" خورد بی‌اختیار گریهام گرفت . چون دیگر خیالم از تمام جهات راحت شد و بخصوص از یایوه گوئیهای بی‌اصل و نسبها . واقعا احساس میکنم که دیگر خودم و عقیده ام مال خودم و متعلق بخلق خودم میباشد و احساس میکنم که خلق ترکمن شخصیت و جایگاه بحقوق و شایسته خویش را در صحنه سیاست بازیافته و دارای تشکیلاتی مستقل میباشد . بعنوان یکی از فرزندان تحت ستم خلق ترکمن از تمام مسئولان و دست اندرکاران همال تشکر را داشته و جاننشانی در راه اهداف مقدس کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن را بزرگترین افتخار و کوچکترین وظیفه در قبال خلق خودم میدانم .

رفیق دایان ! احساسات پاک شما قابل تحسین است . برای مسئولین کانون به وصیفه ای مقدستر از خدمت به خلق خود و همه خلفهای تحت ستم ایران ،

نمیشناسند ، دریانت نامه هایی نظیر نامه شما پاداش بزرگی است .

نامه " زیر را رفیق سانجار شاعر ترانقدر خلق ترکمن ، در انتقاد به مقاله "مختومقلی شاعر خلق" مندرج در شماره ۵ ارگان ، برای ما نوشته اند . ما این نامه را بصورت کامل صبح درخواست این رفیق در زیر به چاپ می‌رسانیم :

رفقای دیشت تحریریه "ترکمنستان ایران" در شماره ۵ ارگان مرکزی کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ایران مقاله "ماغتیم قولی شاعر خلق" درج شده بود که از نظر ما خالی از اشکال نبود . ما در نوشتار زیرین اشاراتی به آنها خواهیم نمود که امیدواریم در یکی از شماره های آینده "نشریه "ترکمنستان ایران" انعکاس یابد !

در جایی از مقاله چنین می‌خوانیم "مختومقلی ۴۹ سالگی دیده از جهان فرو بسته است" اما اگر از زبان خود استاد بشنوم چنین می‌بیراید :

ماغتیم قلی اللی یاشنگ (۱)  
غندیر غایغیدیر سرداشنگ  
غافل بولمه قالدیر باشنگ  
فریلیق بیر بهبانا دیر

این صورت بخودی خود نویای آن است که شاعر در ۵۰ سالگی نیز از روحیه‌ای سرشار از انرژی برخوردار بوده است . باز شاعر چنین ادامه می‌دهد :

یتمش یاتلی قرداش گیرگیل یایه (۲)  
اوکونگ یولا دوشمز گزمک بیلن  
اگر دنباله این سطور را پی بگیریم خواهیم دریافت که شعر مذکور (گزه مک-

بیلن) شعری میباشد که بیان کننده درد حال خود شاعر است و در اینجا خود را مخاطب قرار میدهند . در این سطور شاعر از دردی بی‌پایه شکایت میکند و تأکید می‌نماید که بیش از ۷۰ سال از عمرش میگذرد .

در جایی دیگر از مقاله فوق نیز چنین می‌خوانیم " . . . و بنا به روایات چندسالی نیز در خویه ، در مدرسه شیر-غازی تحصیل نموده است . اما این "روایت" را نیز شاعر در شعر زیر بعنوان واقعیت بیان میکند :

(۳)  
مکان ایلاب اوچ یشل ایدیم دوزیشگی  
غیدر بولدئم خوشر . قال گؤزل شیرغاز  
گذشته از نارسائیهای فنی که ذکرش رفت مقاله یاد شده شخصیت سیاسی و اجتماعی استاد را در شمار جملاتی گنگ و نارسا بگذراند . در مقاله همچنین آمده است "مختومقلی برخلاف برخی از اشعرا ، جیره خوار دربار و طبقات حاکم جامعه زمان خود نشده . . . این جبری است درست ، اما ما حقوق داریم از نویسنده مقاله بپرسیم ، شاعری که میگوید :

ماغتیم قولی آیاما جان (۴)  
بیلینگ قوشا گی غضب دون  
حتدن آشدی بو ظالم خان  
آخر تور قورمالی بولدی  
چطور میتواند جیره خوار دربار باشد ؟ و در جایی دیگر نیز چنین ادعای نادرستی میشود " اما مختومقلی راه مشخصی جهت رهایی از آن وضع فلاکت‌آر ۰۰۰ ارائه نکرده است " و ما باز مجبوریم به خود استاد مراجعه کنیم و بگذاریم که خود بقیه در صفحه ۷

## گرامی باد ۱۹ بهمن

اکنون ۱۷ سال از حماسه سیاهکل می‌گذرد. سازمان چریکهای فدایی خلق از ابتدا تاکنون دچار انشعابات عدیده شده است. هم اکنون سازمانهای متعدد ۱۹ بهمن را بعنوان روز بنیانگذاری خود گرامی می‌دارند. باشد که سازمانهایی که خود را وارثان واقعی سیاهکل و بنیانگذاران سازمان چریکهای فدایی خلق و ادامه دهندگان راه انقلابی آنان میدانند بر بحران طیف فدایی فاشق آمده و مشعل فروزان فدایی را برافروخته نگهدارند.

جنبش چپ ایران را مشاهده میکردند با عملیات خود در ۱۹ بهمن چون شهابی در آسمان این جنبش درخشیدند. هر چند این عملیات جدا از توده ها یوتوجع پیوسته بود، لذا تأثیر آن در مجموع در حرکات انقلابی آینده کشور غیر قابل انکار است. رشد جنبش فدایی در آستانه انقلاب بهمن و روی آوردن لشکر عظیمی از انسانهای پر شور و انقلابی به این جنبش بعد از انقلاب، مبین به ثمر رسیدن قهرمانی های آغاز گران راه فدایی است.

۱۹ بهمن یادآور عملیات قهرمانانه پیستازان سازمان چریکهای فدایی خلق است. این روز که شاهد تولد سازمان چریکهای فدایی خلق بود، نقطه عطفی است در تاریخ جنبش چپ ایران. پیشتر سازمان چریکهای فدایی که تن به دیکتاتوری محمد رضا شاه داده بودند، در این روز بیرق مبارزه علیه اختناق و وابستگی و جنمت برقراری جامعه‌ای عاری از استثمار را بر فراز ایران برافراشتند. آنان که از عدم حضور سازمان چپ انقلابی در عرصه جامعه در رنج بوده و رکود

### برگزاری ۹-مین سالگرد بنیانگذاری کانون در سوئد

### بمناسبت ۸ مارس ...

زنان ترکمن در شرایط فعلی شکل اعتراض، مادران و همسران و خواهران زندانیان سیاسی، نجات انقلابیون ترکمن به هنگام یورش پاسداران به منازل مسکونی آنها، مقاومت همگانی علیه بازگشت بزرگ مالکان و بورژوا - ملاکان به روستاها، در افتادن با پاسداران و عوامل رژیم خمینی در موارد مختلف منجمله در صحنهای ارزاق عمومی، نفت و ۰۰۰ مبارزه علیه "جنگ اقتصادی خمینی" علیه خلق ترکمن و ۰۰۰ بخود گرفته است.

ما روز جهانی زن را به همه زنان مبارز تبریک گفته، پیروزی و بهروزی آنان را آرزو می‌کنیم.

تشکر می‌کنیم. ما نهمین سالگرد کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن را به همه اعضا و هواداران کانون تبریک گفته و از هواداران کانون در سوئد و برادران و خواهران ترکمن مقیم این کشور بخاطر زحماتی که در برگزاری جشن کانون متحمل شده اند، صمیمانه قدردانی می‌کنیم. باشد که در آینده همه در کنار هم جشنهای سالگرد کانون را در میهن عزیزمان ایران برپا داریم!

هواداران کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن در سوئد با همکاری بیدریغ ترکمنهای مقیم این کشور، نهمین سالگرد کانون را در شهر کوبورگ سوئد جشن گرفتند. در این جشن برنامه های متنوع هنری از جمله رقص خنجر توسط گروه رقص خنجر، سرود "لاله" بوسیله زنان ترکمن و سرود "خلق ترکمن" توسط کودکان و نوجوانان ترکمن اجرا شد. برادران کرد مقیم سوئد نیز با اجزای برنامه رقص کردی در جشن کانون شرکت کردند. همچنین یکی از خوانندگان انقلابی شیلی با اجرای چند سرود انقلابی در این جشن مشارکت نمود. فیلم "حرف بزن ترکمن" نیز در جشن کانون به نمایش گذارده شد.

### بحران درونی رژیم و ...

حکومتی واحدی را برقرار نکند. در کنار هر وزارتخانه دولت اسلامی، نهادها و ارگانهایی که مستقل از آنها و طبق موازین و قوانین ویژه خود عمل میکنند کم نیستند. با مدنظر قرار دادن فاکتورهای یاد شده، نوع امکان موفقیت خمینی در استقرار سیستم هیرارشی مذهبی در میان روحانیت شیعه و ایجاد نظام واحد اداره کشور و برقراری حکومتی مقتدر و دارای اتوریته بعید است.

پیام کانون و تاریخچه فعالیت کانون توسط نمایندگان کانسون خواننده شد. همچنین پیام های تبریک از طرف تعدادی از احزاب به کانون رسید که بعضی از آنها در جشن قرائت گردید. ما فرصت را غنیمت شمرده از این احزاب و سازمانها

### آدرس در خارج از کشور

PLK

Nr. 117009 C

5000 KÖLN 1

WEST GERMANY

پایدار باد خاطر شهدای جاوید خلق ترکمن!